

الاصفهانی الخاتون ابادی آقا سید حسین لکهنوی ساری بمصر استاد کل کتابا قبر بهیاست  
 و استاد محقق قمی صاحب قوانین بود و ملا شفیقا در کتاب اجازه خود موسوم بروضه بهیه در ضمن حال  
 محقق قمی آورده که صاحب قوانین بعد از آنکه از علم ادب چیزی از والد ماجد خود تحصیل ننمود  
 خدمت جناب نمره عن کل شین آقا سید حسین خونساری تحصیل نفقه و اصول فرموده و این  
 کلام ظاهر میشود که آقای موصوف در فن اصول و علم نفقه خلی صاحب دستگاہ بود و الله اعلم  
 السید حسین بن ابی القاسم الموسوی عالمی خیر و فاضلی تخریر بود و از جمله مشایخ حضرت  
 آقا سید مهدی لقب بحر العلوم طباطبائی بود صاحب شذو را در العالم و فاضل و ادیب مشایخ  
 ستوده و گفته که بحر العلوم طاب ثراه از سید حسین موصوف روایت حدیث داشته  
 و سیدین مذکور از مولانا محمد صادق بن مولانا محمد بن عبدالفتاح مشهور باب روایت دارد  
 چنانچه بحر العلوم در اجازه خود که برای شیخ محمد حسن نجفی نوشته بتقریب ذکر مشایخ خود میفرماید السیة  
 السنة الوجیه و العالم الادیب الادیب النبیه الامیر سید حسین بن الفقیه  
 العالم قدوة الفضلاء الاکادامیر ابی القاسم عن شیخه المحدث الفقیه  
 الفاضل الثالث المولی محمد صادق بن الفاضل العالم العلامة المولی محمد بن  
 عبدالفتاح المشهور بر باب عن والده عن شیخه علامة العلماء المحققین  
 وزبده الفقهاء المجتهدين المولی محمد باقر بن محمد موسی الخراسانی السبزوادی  
 صاحب الذخیره و الکفایة عن السید الجلیل و العالم النبیل السید نوالی <sup>علیه</sup>  
 بن ابی الحسن الموسوی العاملی عن الشیخین العالیین العالمین اخیه کابیه السیة  
 السند الاوحد السید محمد صالح الممداد و اخیه لامة الشیخ الفقیه الفاضل  
 المومنین ابو المنصور الحسن بن الشهید الثاني عن ابيه السید الجلیل علی بن ابی الحسن  
 عن الشهید الثاني رحمهما الله انتهى موضع الحاجة مولانا السید حسین بن امیر  
 امیر اسیر حسین القزوی صاحب شذو را آورده که سید حسین مذکور عالم و فاضل

و مجتهد و محدث و فقیه ما هر و حافظ بود و روایت حدیث از پدر خود داشت و بحر العلوم  
 طباطبائی از تلامذه سید حسین موصوف بود و از او اجازه روایت داشته و تاریخ کتاب  
 اجازه مذکوره در ماه ربیع الاول ۹۲۴ هجری و تسعین و مائة و الف بود و نقل اجازه  
 مزبوره در شذو و مسطور است و مولانا بحر العلوم در اجازه خود که برای تلمیذ خود  
 سید حمید بن سید علی موسوی نوشته بتقریب ذکر شاخ خود میفرماید و منهم فخر  
 السادة الاعاظم و نخبة العلماء الاکادم العالم الورع و الفاضل المطلاع المضطلع  
 الامیر سید حسین الحسینی القرظی و بنی عزابیة السید الماجد الکوی و الفقیه المتکلم  
 المحکم الامیر سید ابراهیم الی آخر الاجازة از تصانیف شریفه اوست که معارج حکماء  
 فی شرح مسالک الافهام و شرح اربع الاسلام و کتاب تقصی الاجتهاد فی شرح ذخیره المعانی  
 و الارشاد و کتاب الدراری الثمین فی الرسائل الاربعین و من جملة ما اشتهل علیه کتاب  
 رفع الالتباس عن احکام الناس و کتاب قصد السلوک فیما یملکه الملوک و کتاب البصیحة  
 المحببة فی حل الظلم و يوم الجمعة و کتاب اختیار المذنب فیما یصحبه الانسان من اللذیبه و  
 کتاب مہرب الوداد فی موارث الاحقاد و کتاب غایة الاختیار فی مناقحة الکفار  
 و کتاب حکم بیع الوقف و غیره و کتاب نظم البرهان فی احکام الايمان مع شرحه کذا فی  
 الشذو و مولانا السید ابوالحسن بن السید عبدالعزیز بن نور الدین بن السید  
 نعمت الله الجزائری الشوشتری در تحفة العالم مطبوع است السید الفاضل المؤمن  
 السید ابوالحسن بن السید عبداللہ گرامی اختر برج سمرقند و فقیه است و یکتا گوهر  
 درج برتری و کبریت بعد از فوت والد بزرگوارش مصطبه آرای بزیم افلاحت مشتمل  
 افروزان بن افاضت بود و تلمذ در خدمت والد بزرگوار خود نمود و بعد اربع علیه سید  
 در جوانی با سید ابا و کن افتاد و از او ضاع زشت این ملک بنیابت منقر کرد و بعد از این  
 کمر میزد و مردم آنجا را زامالی و ادنی هر یک به پندار خود و مغرور و در تمیز نیک و بد

نهایت عدم الشعور و اکثر فرمایندگان از خرد و بیگانه اند علم و جهل را در نظر با درجه مساوی است  
 برابر کتاب مناسبتی افتخار و مباحثات دارند با جمله حکم وراثت و قابلیت منصب جلیل  
 شیخ الاسلامی از پیشگاه خان نیکو سیرت محمد کریم خان زند با و مرجوع و بخدمت آن پادشاه  
 معزز و محترم و در فن طبابت بقراط زمان و سرآمد اطباء عالی مقام و احدی حکمای اعلام  
 بود حدسی صاحب و فقهی رسا داشت در هندسه و ریاضی صاحب و دستگاه و در علوم  
 دیگر نیز افادت پناه بسی رسا کثرت شریفه مدونه در طب و حساب و ریاضی دارد خلاصه  
 الحساب را در خدمتش خوانده ام شرحی مبسوط بر مفاتیح شروع نموده بود اجل فرصت نداشت  
 و با تمام زسید آنقدر که بیباکن رسید شرح نوشته شده است در ماه شوال سنه کبیرا رو  
 یکصد و نود و سه ازین سرای فانی بعالم جاودانی انتقال نمود و حسب الوصیه در مقبره  
 علیّه مدفون گردید بارگاه معروف است و از وجود آید سید محسن سید عبداللّه سید محمد  
 السید مهدی بن السید عبدالمدین السید نورالدین بن السید نعمته عبدالرحمن  
 الشوشتری برادر سید ابوالحسن سابق الذکر است صاحب شفا العالم ذکرش بدینست  
 آورده السید الفاضل الزاهد الكامل السید مهدی بن سید عبدالمدوی از افاضل روزگار  
 و ارشد اولاد عم عالی مقدار اگر چه از اکثر برادران کوچک ترست اما بهر او از علم و تقوی  
 او فر بود ذلك فضل الله يؤتیه من یشاء از اعیان زمان و بعلم و تقوی تاوده دوران  
 استغنائی داشت که تا این زمان کسی را باین وارستگی ندیده ام گنج قارون و چشمت  
 سیلما از او در نظر والای او قدر خاشاکی نبود از فرط علوهست و تقوی با استدعای عظمای و روسا  
 برگزیده و مشاغل دنیا نشد و بوضع گوشه نشینان معاش می نمود و بکمال تقدیر که او را گریبان  
 شده و بندگان افکنند بعد از رسیدن باین دیار و ملاحظه کرد و ارشاد است آثار و اوضاع  
 قبیح اطهار این مردم بنایت نادم و متاسف گردید چند مرتبه بفرم عود و بوطن ما بوفت و از نشد  
 میفرمود چاره و ناچار در مرشد آباد بنگال اقامت نمود و با اینکه حکام و فرماندهان همه نیکو بندگیها

نسبت باو مرعی میداشتند اما آن بزرگوار همیشه کاره مکث در آن مقام و بس مشتاق بود و وطن  
و ملاقات بنی اعمام بود و مکرر از او شنیده ام که میفرمود عمری بر انگان درین کشور بر باد  
داوم چهار آغاز و در باین مملکت تا این زمان که فزون از بیست سال است مداومتی  
آمد و شد و اوقات مراضع و شته اندون همیشه بصعوبت تنهائی و ریج سیکس گرفتار بوده ام  
و اگر گویای باغاری مسکن گزیده بودم با نیمه گوناگون ریج و شنا که اکنون هستم مبتلا بودم با بجز در سنه  
سنت و یاقین بعد الالف ازین سرای ناریت رخت بر بست اللهم انشر علی شایب  
الوجه و یکی از باغات آن شهر مدفون گردید صاحب آن باغ که یکی از اعظم و اخیار بود  
بشرافت مقبره او مسجدی و تفریح خانه متصل بر قد منورش بنا نموده و موقوفات بسیار وقف  
آن سرکار نموده در جمعات و ایام متبرکه رسم مرثیه خوانی در آنجا شیوع و آن مرقد مبارک  
مطاف آفرودم است میرزا محمد رضای اصفهانی عیسی تخلص که شاعر شیرین زبان و در روز ورود  
باین کشور از معاشرین این بی نام و نشان و در استقامت سلیقه ممتاز افرانت قطع  
مضمین وفات دارد ثبت افتاد

رکن ایمان سید مهدی در ریخ	زین جهان فانی مغرور شد
زین مصیبت بهمه اهل جهان	روز روشن چون شب بچو رشد
زین خراب آباد پرانده و ریج	بر تماشای جنان مامور شد
جیریل از بر و فتنش در بهشت	از پی استبرق و کافور شد
از فروغ روح آن عالیجناب	جنت المادی سرسره نور شد
گفت تاریخ و فاش بر عقل	با علی و مصطفی مشور شد

و از چهار پسر خلف شد یکی در شوستر سید فرج الدسه در بنگاله سید حسن سید حسین سید حسن  
السید محمد شفیع بن السید طالب بن السید نور الدین بن السید نعمته الله الخزاز  
سید عبداللطیف خان شوستری که برادر سید موهوب است در کتاب تحفه العالم گفته

ذوالفضل الجبجج والشان الرفیع السید محمد شفیع بن السید طالب رحمہ اللہ فرزند نخستین والد  
 بزرگوار و نسبت بمن و دیگر برادران بغایت نیکو کار بودند کادفهم واستقامت سابقه  
 و جامعیت فنون علمیه خصوصاً ریاضی و اصول فقه موصوفت و تبحر بمن الاقال مصلحت  
 طبعش نقاد راجح و کاسد و تکلف ناقص و کامل و بیوسه لجاجی ضعیفا و غریبای هر دیا است  
 و دست دریا نوالش رشک بر بهار بود و در شوق تتر از عم عالی مقدارش سید شیب السید  
 عربیت و نجوم را استقاده نموده بدرجه کمال رسید و از انبجار و انہ عتبات عرس رجاء گوی  
 و فقه و حدیث را از خدمت شیخ اجل شیخ مهدی نقوی و شیخ یوسف بحرانی و اصول را  
 از استاد الاقال آقا محمد باقر بهبهانی اصفهانی و حکایات را از آقا محمد باقر میرزا جبری که صیت  
 تبحر و فضیلت بر یک ازین بزرگواران خافقین را مالامال وارد و از غایت اشتہار شغنی  
 از اوصاف آن تکبیل نموده و در ارض اقدس کربلا مجاز گردید شیخ مهدی و شیخ یوسف  
 مراتب فقه و حدیث و رجال ایام اعلام و تک الکلام و از جمله اخباریمن بودند با کلمه  
 سید عالی مقام سالها در خدمت آقا باقر بهبهانی تکلم نموده و از برکت الفاس این حیدوران  
 با علی درجه فضیلت صعود نموده در شرح مبسوطی که بر مفاتیح ملا محمد حسن کاشانی نوشته  
 انوالا مقام اورامد و معاون و دوران اماکن بابرکت و اعزاز بیوسه ضیا بخش خمین  
 افاضل و مصاحب الشوران کامل بود در فن طبابت جالینوس زمان و انگشت نما  
 در استخراج احکام نجومی و بیضی نمود بیضی و جوه بجانب هندوستان نضت فرموده بودند  
 از ان مقام بشو شتر عود و این از انبجار و انہ ارض اقدس کربلای معلی شد و سکنی و بیادست  
 و حق طلبی مشغول شد تا در سنہ کبیر و یکصد و هشتاد و شش هجری که مرض طاعون از  
 قسطنطنیه اسلامبول براق عرب سراپت نموده تمامی آن حدود را فرا گرفت و خلقی انبوه  
 که عدد آنها را خدا داد و بس بآن مرض ورگذاشتند و در بغداد که اعظم بلدان عراق است  
 در روز اول بمقتاد هزار کس مردند در روز دوم و سوم از حساب درگذشت عتبات

عالیات که مشحون با فضل و علما بودند همه آنها در گذشتند مگر معدودی که فرار کردند یا در  
 اهل آنها اخیری بود سید محمد بن سید زینا که از ادبای روزگار بود تاریخ آنرا الطاعون عظیم  
 دید چون آمد او بهر سانسید که سنه یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت داخل شد الطاعون عظیم  
 فرمود و آن طبعه تا بصره و بوشهر رسید که دو سکنه بلاد مشهوره و دیهات و احشام بود  
 نشین آن نواح همه بمردند القمه سید محمد شفیع موصوف بعد مدتی بتقریب بعضی بیمارها را  
 شوستر گردید که بمجا بجه پردازد شاید که بموانست بنی اعمام آن وحشت طبیعت بانس  
 و جمعیت گراید در راهواز که نیمه راه است مرض ذات الحجب اضافه امراض دیگر گشته  
 در ماه جمادی الاولی سنه اربع و اتمین بعد الالف بلا اعلی بال کشا گردید و داغ حرمان  
 بر دل افاضل و اتقیا گذاشت و حسب الوصیت سجاد حسین علیه السلام فون گردید  
 حشره الله مع الشهداء اولاد او سید محمد علی که در جوانی بلا عقب در گذشت سید محمد حسین  
 میر محمد حسین اصفهانی الاصل و تاریخ و فائش قطعه گفته یک بیت آن است

چون در میان فتنه ز سال تاریخ در دل آمد علیه رضوان الله

تقریب بن تاریخ  
 در سنه ۱۱۰۰

السید مرتضی بن السید محمد الطباطبائی البروجردی وی از افاضل اخبار و اعلی  
 روزگار و والد ماجد حضرت بحر العلوم آقا سید مهدی طباطبائی است در آئینه حقا و زمین  
 احوال جناب بحر العلوم طاب ثراه مسطور است که والد ماجد حضرت بحر العلوم موصوف  
 در بروجرد که از بلاد عجم است منصب امامت نماز جماعت داشته و علم علم و کمال و  
 ورع و تقوی و کرامات و مقامات برافراشته میرزا محمود شارح دره بحر العلوم در بعض  
 افادات خود گفته السید المرتضی کان عالما جلیلا کاشهد الله غیر واحد من  
 العلماء و له اقل علیه مصنف سوی مجلد فی شرح بعض مباحث صلاوات الکفای  
 در مرثیه و فائش همی بار علما قصائد غزالیها کرده و از آن جمله خلف ارشدش بحر العلوم مرثیه  
 بلینه گفته و آن مرصوم چند اولاد ز کور داشت که از آن جمله بحر العلوم و سید جواد که جد میرزا محمد

شارح دره بحر العلوم است بوده اند با بطله وفاتش قبل از وفات خلف از جمله اوجر العلوم  
 چهار سال واقع شده پس بحسب ظاهر وفاتش در سنه ثمان بعد مائین و الف بوده باشد  
 کان وفات بحر العلوم کاسیخه من ترجمته در سنه اثنی عشر بعد مائین و الف است  
 یکی از فضلا تاریخ وفات او در کلمه مات موقضی و دیگری نوی بجنات النعمه المسر  
 یافته مرقد نورش و رپلوی جدش در کربلای معلی قریب مزار شهدای کربلا واقع است  
 فرضی الله عنه وارضاه استاد اکمل آقا محمد باقر بن اکمل الدین محمد الاصبهانی  
 البهبهانی الحائری ولد و منشا او بهبهان بیای موحده و بیای ساکنه و بیای موحده  
 دیگر قبل از بیای دیگر که از توابع بلاد ایران است و او مدتی در اینجا ساکن بود و در آن  
 بقیه عمر بجا ورت کربلای معلی ممتاز گشت وی از اعظم مشایخ علمای دین حسین و کبار  
 فقها و محدثین سند اکثر علمای مابعد او الی الآن بلکه سلسله تلمذ جمیع مشایخ ایشان بسوی او  
 منتهی میشود و لهذا میان ایشان لقب با ستاد اکمل فی الکمل گردیده صاحب تکریم اهل الکمل  
 معاصرو بود و ذکر شریفش بدین عنوان آورده آقا محمد باقر بن اکمل الدین محمد الاصبهانی  
 البهبهانی الحائری فقیه العصر فیداله هر و حید الزمان صد در فضلاء الاولاد و ان  
 صاحب لفکر العمیق و الذهن الذقیق صرف عمره فی اقتناء العلوم و اکتساب  
 المعارف و الدقائق و تکمیل النفس بالعلم بالحقائق فحباة الله تعالی باستعداد  
 علومه الی سبقت احد منها من المتقدمین و لا یلحقه احد من المتأخرین الا بلا خه  
 منه و الرافة من العلوم ما لا عین رأت و لا اذن سمعت لدقتها و رقتها  
 و وقوعها موقعا فصار الیوم اماما فی العلم و دکتا للدين و شمساً کالذات ظلم  
 الجهالة و بدراً کالذراحة و یا جیر العطالة فاستنار لطلبت بهلومه و استضاء  
 الطابون بفهومه و استنارت فتاوه کشعاع الشمس فی الاشرار مده الله  
 ظلاله علی العالمین و امده هر بچود وجوده الی یوم الدین و در او اخر احوال بنجانب

آورده و باجمله شرح فضل و اخلاق و فضله عبادتہ لیس فی مقدمه تناولا یصل الیه  
 ممکنند و قدرتنا و توالیفہ کثیره و تصانیفہ عفایره فی العلوم الخطیره و الفنون  
 الکثیره الفقه و الرجال و اصول الفقه و هی لشہرتہا لا تحتاج الی الذکر و العہ  
 و الیوم ہوا دامت اللہ ظلہ الوارف علی التالہ و الطارف مقیم فی ذلک المشہد  
 صابرا علی مفضل لفتن الکائنہ لذلک المورد لصفہا فی جنب تلک لفتوحات  
 و عدم خطرہا عند ما یرد علیہ من العلوم الوارسات و قدرتی اللہ مطالعہ  
 طلعتہا المبارکۃ فی سفرہ الحج فی سنہ ثمان و سبعین بعد المائۃ و الالف نسأل  
 العود الی تلک المشاہدہ لنتخرج فی المساکن و الملاحد انتہی کلامہ و سید عبد اللطیف  
 شوشتری در تحفۃ العالم بتقریب ذکر سکنہ کربلائی معلی آورده و ذوالمناقب و المفاخر المولی  
 محمد باقر البهبہانی رحمہ اللہ ذکر او بتقریبات گذشت وی از اعلام مجتہدین زمان و قلم  
 آرجس و اوصاف آن علامہ شجرہ شکرہ و کسور اللسان و از غایت اشتہابی نیازاند  
 اوصاف و بیان ست قریب یکصد سال عمر یافت و تمام آن عمر گرانمایہ را در آن  
 سرزمین بہشت آمین صرف افادہ و نشر علوم و ارشاد مردم ساخت اکثر در آن عالم  
 محفل کہ افادہ فرمایند و از استعمان بودم و نیز صاحب تحفۃ العالم در ضمن احوال برادر  
 خود سید محمد شفیع بتقریب ذکر مشایخ و اساتذہ او آورده کہ آقا محمد باقر بہبہانی از احفاد  
 شیخ الحدیثین اخوند ملا محمد باقر مجلسی مجتہدی عالیشان و از کبرای اولیای زمان بود قبل از  
 فن اصول را ایقدر رواج نبود بیشتر از فضلاء اختیار و قلیل اصولی یا متوسط میانہ  
 اصول و اخبار بودند انقدر کہ اکنون رواج یافته است رونق بخشیدہ آن علامہ شجرہ  
 و بیان دیگر حالات او خارج از حوصلہ تحریر است و او خود در اصول و حدیث و فروع  
 بود در آن اما کن بر فیض کہ عمر او از تسعین گذشتہ بود و بخدمتش رسیدہ ام چند سال قبل از  
 وفات نمود ملا محمد علی مجلسی در رسالہ اجازہ نسب خود آورده کہ نسب آقا باقر موصلی



از جانب مادر بلا محمد تقی مجلسی میرسد زیرا که مادرش دختر ملا نورالدین محمد بن ملا صالح  
مازندرانی بود و مادر ملا نورالدین دختر ملا محمد تقی مجلسی بود لهذا آقای مذکور در تصانیف  
خود ملا محمد تقی و ملا محمد صالح را جد خود گفته است و اخوند ملا محمد باقر مجلسی بر احوال خود خوانده  
و ملا ابو علی کر بلائی تمیذش در منتهی المقال بعد اوصاف و مدح و القاب آنجناب آورده  
و لادتش در سنه یک هزار و یکصد و سجده در اصفهان واقع شد و ببلده بهمان توطن اختیار کرده  
بعد بسوی کر بلا آمد و گاه گاهی بخاطر اشرفش میگذشت که از کر بلا بسوی بعض بلاد نهضت  
فرمایند پس حضرت امام حسین علیه السلام را بخواب دید که میفرماید کلا رضی ان تخرج  
من بلادی یعنی راضی نمیشوم باینکه تو از بلاد من بیرون روی پس بجز و دیدن این  
خواب عزم با بجزم بر اقامت و مجاورت آن ارض اقدس نموده و در بلاد عراق خصوصا  
در نجف اشرف و کر بلائی معلمی قبل از آنکه کثرت اخباریان بود و جملای ایشان بسیار  
متعصب بودند که هر گاه یکی از ایشان میخواست که کتابی از فقهائى اصولیین را بدست بردارد  
کتاب را بوساطت جامه بر میداشت نهجی که دستش بآن کتاب مس نشود یعنی از شدت  
تعصب و عناد جلده کتب ایشان را بنجس میگردانند پس حقیقتی بیکت قدم او آن بلاد را از تعصبان  
جبال خالی گردانید و مردم از الوار علوم او از ظلمات حیرت رسته بشاه راه هدایت رسیدند  
باجمله تمامی مجتهدین عصر وی اخذ و استفاده از علوم او نموده اند تصانیف آقا باقر محمد وح  
قریب شصت کتاب است از جمله شرح مفاتیح ملاحسن کاشانی که از آن جمله شرح ابواب  
طهارت و صلوة و صوم و زکوة خمس بمعرض تالیف سیده است و بس آن کتابی بسیار  
نیکوست و دیگر حاشیه کتاب مدارک بر ابواب طهارت و صلوة که در آن بر غفلتها سے  
سید محمد عالی مصنف کتاب مذکور تبیین فرموده و مصنف مذکور را در خواب دید که آنرا  
بغفلت خود کرد و اظهار رضای خود بر تنبیها ت او فرمود و دیگر از تصانیف او حواشی  
و تعلیقات بر کتاب منج المقال فی احوال الرجال تالیف میرزا محمد استرآبادی که در آن

نسیه بر فوائد و تحقیقات بسیار نموده و سنجی که علمای متقدمین و متاخرین را اطلاع بر چنین تحقیقات  
 میسر نشد و دیگر حاشیه بر شرح ارشاد و ملاحضات در ویلی از اول کتاب التجارت تا آخر کتاب است  
 و دیگر حاشیه بر کتاب وافی در رساله اجتهاد و اخبار که در آن شبهات وارده آنرا مندرج  
 نموده در رساله در مسئله اصل برائت و رساله در بیان حیلای شرعیه متعلق بر یاد ذکر  
 چیزهای که آنرا شرعی گمان میکنند و حال آنکه شرعی نیست و دیگر رساله فوائد حائریه مشتمل  
 بر آنچه فقیه را معرفت آن ضرورت و رساله فوائد ملحقه بفوائد حائریه که آنرا فوائد جدیده گویند  
 و حاشیه بر معالم الاصول و رساله در طهارت و صلوة که حاوی مسائل مشرفه و دقائق  
 لطیفه است رساله صغیره فارسیه در احکام زکوة و خمس و رساله مختصره فارسیه در احکام حج و رساله  
 جتیه فارسیه در معاملات و رساله صغیره در حرمت غنا و رساله صغیره در ذکر قیاس و رساله  
 لطیفه در حل شبهه جبر و اختیار و رساله در بیان جمع بین الاما دیت و اقسام جمع آن در رساله  
 در علیت جمع بین الفاطمیین که درین مسئله بر شیخ یوسف بحرانی رحمه الله که بر حرمت آن اصرار  
 داشت و نکاح دو سیده از بنی فاطمه را با یک مرد در زمان واحد باطل می انگاشت رد  
 کرده است و رساله مبسوطه دیگر که در همین مسئله است و رساله مختصره دیگر در همین مسئله و رساله آثار  
 در اصول خمس و رساله در بطلان عقد با دختر صغیره بجنس عزم علیت نظر بسوی مادرش و محرم  
 گردانیدن او و رساله مبسوطه در استحباب صلوة جمعه در ابطال و جوب عینی آن و رساله  
 دیگر مختصره در مسئله مذکوره و رساله در حجیت اصحاب در بیان اقسام آن و ذکر اقوال فقها در آن  
 و رساله در بیان کیفیت مناظره که او را با یکی از فضلائی الهست و جماعت در باب محال  
 بودن رویت حق تعالی واقع شد و آن فاضل از جواب او عاجز شده در مسئله رویت  
 متوقف شد و دیگر حاشیه بر دیباچه کتاب مفاتیح متضمن بر چهار مقاله است مقاله اول در بیان  
 اصول معتبره فقهای کرام مقاله دوم در بیان چیزی که جهال آنرا قیاس می شمارند و حال آنکه  
 قیاس نیست مقاله سوم در بیان اجماع ضروری و نظری و بیان آنکه شهرت میان علما

حجت است یا نه مقاله چهارم در عدم جواز تقلید است و بیان حکم آن کسی که مجتهدی بهم نرسد  
 و رساله در بیان حکم شیره انگوری و تری و مویزی و رساله در بیان حجیت اجماع و اقسام آن  
 و دفع شکوک آورده و در آن رساله در مسئله عدم اعتبار رویت بلال قبل از زوال و حاشیه  
 بر کتاب ذخیره و حواشی متفرقه بر کتاب فتاوی و حواشی بر معالم الاصول و حواشی بر کتاب  
 تمذیب و حواشی بر شرح قواعد و رساله در حکم خونهای که نجاست آن مفوض است و رساله  
 در احکام عقود و رساله در اصول اسلام و ایمان و احکام منکر آن و بیان منی تا صلبت بسیار  
 صغیره در احکام حیض تا تمام و رساله در بیان اینکه مردم در زمان غیبت امام علیه السلام دوام  
 کی مجتهد و دیگری مقلد و قسم ثالث هم متصور است یا نه و رساله در بیان سبب موسوم شدن  
 بعض اولاد ائمه علیهم السلام با اسم خلفای جور و رساله بر حاشیه میرزا جان بر مختصر عضدی که رساله  
 و جزه لطیفه است و سوای این دیگر رسائل و اجوبه مسائل از تالیفات او بسیار است که اگر  
 مجتمع شود چندین مجلدات گردد و اکثر آنها بفارسی و ایضا صاحب منتهی المقال آورده  
 که جناب مرحوم راد و لیسر و یک دختر بود پسر بزرگ ایشان عالم عالم آقا محمد علی صاحب  
 کتاب مقارن افضل و دیگر آقا عبد الحسین و احوال ایشان انشاء الله المستعان در نیم سوم  
 خواهد آمد و یک دختر که در حبال نکاح جناب آقا سید علی طباطبائی علیه الرحمه بود و جمعی کثیر  
 جمعی غیر از جمله تلامذه آنجناب بوده اند که احوال اکثر ایشان در این کتاب انشاء الله تعالی  
 مذکور خواهد شد و فوات آنجناب در سال یک هزار و دویست و پنجاه و پنج هجری اتفاق افتاد و پانز  
 پای شهید ای که بلا مد فون گردید تاریخ وفات او چنین یافته اند

گشت از روی در و نماز بخش باقر علم رفته از دنیا

ایشان عبد البنی القزوی الیزدی از معاصرین جناب آقا باقر بهبانی و مولانا باقر العالی  
 آقا سید مهدی طباطبائی علیه الرحمه بود عالمی خیر و فاضلی شریک با هر نفسین رجال بوده در ایام  
 محمد بن محمد صالح لاهی که از بعض تلامذه آقا باقر بهبانی یافته بتقریب ذکر مشایخ خود آورده

وتهيما اخبرني بما جازة عدة من اصحابنا الاعلام وجماعة من فضلا لنا الكرام منهم  
 السيد الجليل النزيل زبدة السادة الاعاظم ونخبة العلماء الاكابر العالم العالم  
 النور والفقير الفاضل المطلع الامير سيد حسين القزويني منهم العالم الفاضل  
 المحقق والخبر الحير المدقق جامع المعقول والمنقول ومقر الفروع والاصول  
 عبد النبي القزويني اصلا اليزدي ههنا بحق روحها عن الشريف الماجد  
 الكريم والفقير المتكلم الحكيم الامير سيد ابراهيم والد السيد حسين المنقوه  
 باسمه انتهى ما سر نقله واز بعض مقانات كتاب تكملة اهل اهل كه از تصانيف شيخ  
 موصوفت ظاهر ميشود كه آواز تلامذه سيد محمد صالح حسيني خاتون آبادي و شيخ محمد جعفر  
 بن عبد الله الكرمي الاسبهاني و اما واقا حسين خونساري بو و ديگر از مشايخ او كه در كتاب  
 مذکور سطواند والله يعلم از تصانيف شريفة اوست تكلمه كتاب اهل اهل مشهورة ذكر كسانيكه  
 در اهل اهل از معاصرین صاحب اهل اهل تروك شده اند كسانيكه از متاخرين زمان شيخ  
 حرعالي عليه الرحمه اند و كتاب مزبور را بالتامس حضرت بحر العلوم تاليف فرموده چنانكه  
 در ويواجه ذكر شريف او نموده و گفته اگر چه از مدتي اراده اين امر داشتم كه تكميل كتاب اهل اهل  
 نايم و اسامي باقيمانده را درج سازم لكن بيشغل آن نپرداخته بوديم تا آنكه آن اراده متختم شد و بحكم  
 اجتناب كه واجب الاذعان است بجهش شافتم و مولانا بحر العلوم طاب ثراه تقریظي مشتمل بر مدح  
 و ثنای بلع بر كتاب مزبور و در حق صاحبش قلمي فرموده چون بر عظمت و جلالت شان شيخ مذکور  
 دلالت دارد و در پيچا ثبت نموده شد و بعد فقدي الله و الحمد للتشرع بما املاه  
 الشيخ العالم الفاضل والمحقق البديل الكامل طوبى العلم الشافع و عماد الفضل الرابع اسوة  
 العلماء الماضين وقدوة الفضلاء الالابن بقيه نواميس السلف و شيخ مشايخ الخلف  
 قطب دائرة الكمال و شمس سماء الفضل و الافضال الشيخ العالم الزكي والمولى  
 الاولي المهذب التقى المولى عبد النبي القزويني اليزدي لا ذال بحر و ساخر اسوة

الرب العلي وحماية النبي والولي محفوظا من كيد كل جاهل غبي وعند استوائ رحمتهم  
 من قال امينا فاجلت فيما املاه نظري ورددت فيما اسداه بصري جعلت  
 اطبل فيه فكري واديره به ذكرى فوجدته افضل من لبوس وازين من  
 عروس واعذب من الماء وادق من الهواء وقد ملك انزمت القلوب <sup>شعر</sup> وسنجي بذل المطلب  
 لقد واقت فضائلك المعالي  
 فضضت ختامهن وقلت اني  
 وجمال الطرف منها في رياض  
 شربت بها كؤسا من معاني  
 ولكني حملت بها حقوقا  
 فمن ان نعيم في سر وبيدا  
 وحمل ما اطيق به نهوا ضا  
 ولعمري لقد جاد واجاد وبذل المطلوب كما اريد منه و اراد ولقد  
 احبب واشاد بما رسم و افاد رسم ما قد اندرست وطلو لا قد عفت  
 و معاهد قد عطلت و قباب مجد قوضت و اركان فضل قد هوت وانهدمت  
 و ابلية سود قد انقضت و انتقضت فله درة فقد و جب على العالمين بل  
 العالمين شكرة و برة فكم احبب جميل الذكروا قدمات و رد بجمل الشاء <sup>غير</sup>  
 وفات و كمل في ذلك من النعم و الايادي على الحاضر و البادي و من القوا <sup>ضل</sup>  
 العوادي على المحفل و النادي و لقد نشر فضائل لعلماء و الفقهاء و ذكر محاسن  
 الابداء و الاذكياء و نوه بذكر سكان نرو ايا الخمول و انامنا و فضل من اشرف  
 ضوعه على الافول فكان في مدارس العلم لذلك اهتزت و ربت و طربت  
 و بحاسن الفضيل له قد ازلفت و زفت و بحافل الادب قد اسست انست

كافي بسكان الثرى وهرهاتن القبول قد ارتقوا معارج الطوى والبسوا ملايس  
 لبهاء والنور تباشروا بالثمنية والسر وطفقوا باللسان بحال يشهد و زاد جمهره هذا المقال شعر  
 احييتنا بثنائك السلسال فاذهب بنعمها ادخى السبال  
 فى النشأتين لك المهتا والهنا نيل المنى والفوز بالمال  
 جامع اوراق هم از كتاب مذکور اکثر جا نقل آورده اگر چه كتاب مذکور درین دیار  
 نایاب است و آنچه که دستیاب گردیده نسخه است سقیم تا حرف ایچیم در کتبخانه سولانا نایب  
 العلامة السید حامد حسین دام ظلہ العالی بنظر رسیده اما با اینهمه در کتاب مزبور احوال کسایه  
 در آن منقول گردیده و دیگر کتب رجالیه کمتر بنظر رسیده اخوین کریمین العالم  
 العامل میرزا حبیب الله و الفاضل الکامل میرزا ابدایت الله رحمهما  
 هر دو برادر زید دانش و هنر و فضیله عصر افسر بودند حاج ملا شفیعا در اجازه خود  
 آورده که هر دو بزرگوار در اصفهان بودند و اخوند ملا حسن شفتی والد محقق ابوالقاسم  
 قمی صاحب قوانین الاصول در اوایل تحصیل خدمت این دو بزرگوار را نزد علوم  
 نموده و ایشان حسب الطلب باوشاه عصر خود و ابالی بلده چابلاق برای قضاء حکوم  
 در ترویج امر شریعت در آنجا رفتند و از جانب بادشاه بمهدیه شیخ الاسلامی قیام داشتند  
 و اخوند ملا حسن مذکور همراه ایشان بود و صبیبه مرزا ابدایت الله در حباله نکاح ملا حسن  
 و محقق قمی صاحب قوانین از بلطن صبیبه مذکوره است و نیز از روضه بیه مستفاد میشود  
 که ملا مرزا حبیب الله موصوف جد مادری ملا شفیعا بوده و اخوند ملا حسن الشفتی الحجابلی  
 منسوب است بسوی شفت و آن موضعی است از مواضع رشت که یکی از بلاد عجم است  
 و چابلاق بحجیم فارسی و بار موعده و قاف در آخر که قریه از توابع قم است اخوند موصوف  
 پدر محقق ابوالقاسم صاحب قوانین است ملا شفیعا در ضمن احوال محقق قمی گفته که اخوند ملا  
 شفتی و الله ماجد محقق مذکور که از اهل شفت بوده از آنجا با اصفهان برای تحصیل علوم مشربیه

و قنون و مینیرفت در انجا پیش عالین عالین کالین میرزا هدایت الله که جد مادری  
 ملا ابوالحسن قنیه است و برادر او میرزا حبیب الله جد مادری من تحصیل علوم اشتغال و تدریس  
 در وقتیکه عالین مذکورین بسوی قرنیه چابلاق رفته بمنصب قضا و افتا قیام نمودند و نزد ملا که  
 همراه ایشان بود و باو خرمیرزا هدایت الله که والده محقق قنیه است نکاح کرد و ولادت صاحب  
 قوائین در همان بلده واقع شده و همانجا نشو و نما یافت و از والد خود اخذ علوم ادبیه  
 نموده و با بجزله الحسن عالم و فعال جامع کمالات و مشهور در زهد و عبادات است از تصانیف او کتاب  
 برونیة کشکول موسوم بکامس السالمین است





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله وكفى وسلام على عباده الذين اصطفى بحسب سوم از تذکره موسوم به نجوم السماء فی تراجم العلماء وورد ذکر بعضی از افضل واعیان فقها و محدثین و مفسرین و نبذی از حالات مستعدین و شتغلین علوم آتة ثالث عشره و بالله اتوکل و اعتصم العالم الربانی مولانا السید محمد مصدق الملقب بحجر العلوم بن مرتضی بن محمد احسنی الحسینی الطباطبائی النجفی البروجردی بروجرد و شهرست از قلم و علی شکر میان او و بلده که ما نشانان مسافت بجزیره راه است زبان اکابر فقها و اعظم علمای ازمح و و صفحش قاصر علامه شیخ جعفر نجفی صاحب کشف الظهار که از اعظم ملائذ بحجر العلوم بود باین ابیات فصاحت آیات اورا ستوده شعر

<p>لسانی عز احصاء فضلك قاصر جمعت من الاخلاق كل فضيلة يكلفني صبحي نشيد مد بحكم فقلت لهم بهيمات لست بقائل وما كنت للبلد المنير بنا عت ولا للسماء بشراك انت رفيعه</p>	<p>وفكوى عزادراك كنهك حاسر فلا فضل الا عن جنابك صادر لزعيمهم انى على ذاك قادر لشمس الضحى يا شمس ضوءك ظاهر له ابدا بالنور والليل عاكر ولا للنجوم الزهره من زهر اهر</p>
<p>ولا ايضا فى مدحه قدس سرها</p>	
<p>البلد اذا جمعت ملك وجدته اذا لم يحلوا اذا كان صادقا</p>	<p>معيبا وان كان السليم من العيب ومدحك حاشاه من الكذب والريب</p>
<p>مولانا سيد جواد عالمي صاحب مفتاح الكرامه و رمدح آنجناب فصائلا بليغه فرموده و در بعض</p>	

آنها اشاره بکرامات مشهوره اش نموده از آنجا قصیده ایست که در آخر آن التماس ملاحظه  
مفتاح الکرامه از حضرت بحر العلوم داشته از تطویل نیندیشیده و در اینجا ثبت مینماید

<p>وانت نظام الکوون فی کل شهده          علی الدین دنیا بامر محمد          وایتة الکبری علی الیوم والقدر          وانک وجه الله فی کل مقصد          الی کل سر ناقب الذهن یهتدی          فاضحو وهرمین غا و مهتدی          لعاذرهم فی ذالک غیر منقصد          دلیل لكل نحو مبداه یبتدی          یفید علی ساقی الهدی کل مقصد          فخر و اغناة للجران وللید          جهابذ فیهم کل حابر مسود          یخرج الدجی معجوة بالتعجد          وقد کان صعبا لیلین المرشد          بکة آیات لكل موحد          وانر هانی غیها کل معتدی          تجلی عما بعد طول تردد          مرد تو الی الاصل الاصل الی موصل          قتل مسجد فی ارض کوفه ترشح          بقائد جيش السوء من خاتم الید</p>	<p>الیک زمام الخلق یا خیر مرشدا          وانت امین الله قمت بامره          وحجته العصماء من کل وصمة          وانک جنب الله خازن علمه          تعالیت عزک الی نام و لا ادری          تباین فیک للناس اذینت عنهم          و بین الناس طائرین و اننی          ففی کل سر من علا الذناب هر          لك المعجزات البینات اقلها          الست الذی اصح الیوم یعجز          و اضحو اجمیعا مسالین و انهم          یضیقون عنده و تلك بیوتهم          وقاضی قضات القوم اشرقت امه          وقومت ذیغ التران و کم لكم          وطائفة فحج الطريقة قد عدت          فحین رأت ما یقطع العذ منکم          و کم فرقة ضلت فروع اصولها          ولین الامة کشان لدا بکم          وقد حل ما قد حل فیہ نکایة</p>
---	--

<p>وكم فيك سرا ابرو حيد كره  وفي درساك الميعون عدل شاهدا  تدبركوس العلم من كل غامض  وعلامته ندب امام زمانه  هم القوم كل القوم الا لديكم  فيا جبل من قدرة الله بانخا  مدحتك لا انى رجوتك للغنى  ولكننى عاينت فيك شمائله  وقد صنف المولى كتابا بيمنكم  وكم قمت للارشاد بالبا واجيا  فان تلخظوا زاد نبلا ورفعة  ولا زالت الامام يا بن بهائها</p>	<p>مخافتت حب طائش اللب مبهدا  على سرك الخنزوز في كل شهدا  على كل جبر بالفضائل مرتدى  ومجتهدا في كل فن مصمدا  فانهم ما بين بكر وملتد  وجرندى نادى لوجوه به نده  وان غاضق فرى من طرفه مثله  عرفت بها عرف النبى محمدا  يفوق جميع الكتب في كل مقصد  صلاح كتابى الكتابة فى يدي  وبالغيث يغدا همرا كل غدا  نروح عليكم بالسرى وتغنى</p>
---	--

و برعین منوال بسیاری از فضلاى زمان و اجلاى علمای عالیشان و در مدح آنجناب قصاید غزل  
و منشآت بلینه که بیرون از احاطه توصیف و تعریف اند گفته اند نسب شریفش از جانب پدر  
بحضرت امام حسن علیه السلام و از جانب مادر بحضرت امام حسین علیه السلام می رسد زیرا که  
از جانب پدر منسوب بوده اند بسید ابراهیم طباطبائی بن اسمعیل الدیاج بن ابراهیم العمر بن  
احسن المثنی بن الامام الحسن المجتبی علیه السلام و مادر ابراهیم بن حسن مثنی جناب فاطمه زهرا  
سید الشهدا ابو و صاحب منتهی المقال بعد مدح و ثناء آنجناب گفته که ولادتش در کربلا <sup>معد</sup>  
در شب جمعه ماه شوال سنه خمس و خمسين بعد المائة و الالف واقع شد بخدمت والد خود که عالم  
پرنیزگار و صالح و نیکو کار بود و بخدمت جمعی از کبار علما که از جمله ایشان شیخ یوسف بحرانی باشد  
تحصیل علم نموده باز بنیج اشرف رفته بشاگردی جمعی از علمای آنجا که از جمله ایشان شیخ

فتونی و شیخ محمد تقی ذوقی و غیره بود و ندیده یاب شد باز بکر بلا مراجعت نموده بخدمت  
 آقا باقر بهبانی با اشتغال علوم پرداخت و باز بنحیف رفته اقامت در زید اکتون خانه مبارک  
 محط رحال طلا و مفرغ فحول فضلاست و آنجناب بعد از آقا باقر بهبانی پیشوای علمای  
 عراق و سید فضلالی علی الاطلاق است علمای آن بلاد آنجا بسوی ایشان ارند و عظمت  
 آن نواح اخذ علوم از خدمتش نمایند آنجناب کعبه علمی است که طی مراحل بسوی  
 او می کنند و بحر مواج فضائی است که ساحل آنرا در نمی یابند و با اینهمه کرامات ظاهره و آیات  
 باهره که از او بوقوع آمده و شائع و ذائع است که در زمانیکه آنجناب در حجاز تشریف  
 داشت جمعی کثیر از قوم بود بشاگردی بر این کرامات آنجناب ایمان آوردند و والد ماجدش  
 در شب ولادت شریفش بنحو اب و دید که حضرت امام رضا علیه السلام شمی را با محمد بن  
 اسمعیل بن زینب که از اصحاب انبیا آنحضرت بود فرستاد و آن شمع را بر بام خانه اش برافروخت  
 پس روشنی آن بلند شد که پایش را ادراک نمیتوان کرد و نظر بروقت دیدنش تحسیر  
 می شد و زبان حالش میگوید ما هذا بشیر میزاج محمود لطباطی که از برادرزادگان بحر العلوم است  
 در فواح شمس در رفقه بعد نقل عبارت صاحب منشی المقال که ترجمه اش گذشت می فرماید  
 افول ومن کرامات المنتشرة حکایة فتح افعال الریضة المقدسة الفردیة الشایعة فی  
 الاصفاع والذاتة علی السن الفضلاء الثقات بعد وفاته حیث اخذ العهد من رآه علی  
 عهد الابرار رجال الحیوة و قریب من ذلك حکایة السرد اب سمعتها مفصلة عن بعض العلماء  
 الثقات نقلا عن غیره و هی معروفة و من ذلك ما اشتهر من نیاحة الجن علی طایر اراه  
 فی السرد اب المتوفی فی بلخ خدمت همله و اخذ هم العلوم منه و رجه قصوی علم و عمل و و روح  
 آنجناب سجد می بود که در آئینه حقیقتا از جناب مولانا سید علی طایر شاه نقل است که در ایام عموی  
 آنجناب بدیار فائض الانوار ائمه اطهار علیهم السلام از زبان سیدی باوقار از سادات  
 اهل خطه که آتش سید حسن و از سالها مجاور روضه مقدسه غروی بود و شنید که میگفت

اگر درین زمان جناب بجز العلوم دعوی عصمت نماید احدی را مجال قدح و جمح در آن نیست  
 و هم نقل است که در هنگامیکه آن قبله زمان وارد که منظره بود و در آنجا مراحلی تفتیحه ای میفرمود  
 شخصی از بعضی فضلاء ایلمنت سوال کرد که این سپید اگر چه اظهار مذہب ایلمنت  
 می نماید اما معلوم نیست که از مذہب اربعه سنیان کدام مذہب را اختیار کرده است آن  
 فاضل در جوابش گفت که این نمیدانم بی اینقدر مرا معلوم و یقین است که اگر سید مذہب  
 خاص را سوای مذہب اربعه اختیار نماید و در آن استدلال فرماید کسی از اهل تسنن بمبار  
 او اقدام نمیتوان کرد و حق اینست که فضائل و کرامات و خوارق عادات آن عالیجناب  
 بیرون از حد و احصاست اگر کسی استقصا خواسته باشد کتابی جداگانه باید نگاشت <sup>حسب</sup>  
 تحفة العالم بقرب ذکر ساکنین نجف اشرف آورده سید طویل المناقب عظیم القدر سید  
 محمد مهدی طباطبائی بر وجوهی از اکار بفقهای زمان و اعظم محدثین دوران و در جمیع علوم  
 منقول و منقول و سجع الباع و بجا معیت و تقوی فرید اصقاع بود چند سال در عمرین شیرین  
 مجاور و بذہب اربعه مدرس بود بسا تحقیقات شریفه و مصنقات عالیہ از ماثر قلم آن امام  
 ہمام بیادگار است در او اثر بسبب سمن مفرط و بیماری خفقان از افادہ علوم و اماندہ عزت  
 داشت و بطالعہ و تالیفات بقدر طاقت می پرداخت انتق و فوات آنجناب در سنہ  
 اثنتی عشرہ بعد المائتین و الالف واقع شد شرفش تقریباً پنجاه و ہفت سال بود <sup>شہ</sup>  
 عرب و عجم در مرثیہ و تاریخ او قطعات و قصائد غزالیان نشان داده اند از آنجمله یک دو بیت

### انصار سید و

عجب نمی ست که دل زین بصیبت <sup>جانکاه</sup> بسینه خون شد و بیرون ز چشم زہم رفت  
 خرد چو سال وفات از توجبت <sup>کوی</sup> سخی مهدی صاحب زبان عالم رفت

لفظ وی برای تمجید است که عدد آن بر مصرعہ اخیرہ می افزایند تا عدد مذکور حاصل شود و از جمله  
 اولاد و امجاد آن برگزیدہ رب عباد جناب قدسی القاب ملا ملک آداب

عالم حضرت مجمع علوم دینی و منبع معارف یقینی آقا محمد رضا علیه الرحمہ و یک صبیہ مخدرہ کہ در  
 جبالہ عقد جناب سید محمد خلف اکبر جناب آقا سید علی طباطبائی بودہ از مصنفان شکیما ضبطہ  
 میرزا محمود و الطبا طباطبائی فی کتابہ المواہب السنیہ فی شرح الدرۃ المنظومۃ حیث قال برد  
 الدرۃ المنظومۃ و ہوا کتاب جلیل لرافق لہ فی منظومہ اصحاب و غیرہم علی نظیر وعدیل  
 زفقلم فی مدیحہا الفاضل اکرم الشیخ محمد علی الاعسر شرح ما یبلغ ثمانیۃ عشر بیتا اولہا  
 درۃ علمہ ما بین اللہ سرہ فاتحۃ الکتاب ما بین السور

ولہ فی الفقہ کتاب لمصایح و کتاب الہدایۃ اقتصر فیہ علی لب الفتوی لہ یدر زمانہ الا القلیل  
 من الطہارۃ و رسالتہ فی مساسک الحج تنسب الیہ و رسالہ فی تحریرو العصیر الزبیدی و لہ اختیارات  
 علی الذخیرۃ حکاہ بعض مشایخنا و الی الان لرافق علیہ ولہ کتاب رجالی حقق فیہ  
 احوال جماعۃ من الرواۃ و العلماء یرید علی عشرۃ الاف بیت ولہ فی الاصول شرح علی الوافی  
 لہ عمل مثلہ فی البسط و التحقیق و نقل الاقوال و الادلۃ علی غلط رشیق الا انہ لہ یدر زمانہ  
 الا القلیل و من الفحوی ل من اذ عن بانہ لو تاملتہ الاصول ولہ فوائد فی الاصول جیدۃ  
 مشتملہ علی فوائد جہتہ و مباحث مہمہ و الظاہر انہا کالمصایح منتظمۃ من الملتقطات بین  
 بعد وفاتہ ولہ موراثی فی واقعۃ الطف ابتداءئہا

اللہ اکبر ما ذا الحادث الجبل قد تنزل سهل الارض الجبل

ولہ قصیدۃ بالغۃ فی المناقب و المثالب رد علی بعض النواصب تبلغ مائتین و خمسۃ  
 وستین بیتا ولہ رد و بالغۃ علی ابن حجر العسقلانی انکارہ القائم فی قولہ ما ان للشرایک  
 و کرائی جیدۃ فی ثناء والدہ المرجومہ و بعض اولادہ و لہ اہل عصرہ ولہ قصیدۃ رمانیۃ معروفۃ جیدۃ  
 ملیحۃ و غیر ذلک من الکلام المنظوم السید الاجل میرزا یوسف البہر مریمی از اجلہ  
 علمای دین ست فخر المجتہدین ملا آقای در بندہ و را کبیر العبادات آن مرحوم مراد تلامذہ  
 حضرت مجدد الشریعۃ آقا باقر بہبانی اعلیٰ المدقامہ شمر وہ الشیخ حسین المشہر بن البہر مریمی

در اکبر العبادات اورا باین الفاظ ستوده الفاضل الكامل والعامل الثقتا لا تقی المشتهرا  
 بكونه صاحب الله درجات العالیه والمقامات المتعالیه الشیخ حسین المشتهر باین  
 الجف التبریزی الذی کان مزاجا لاصحاب السید الاجل ذی المناقب الکثیره و  
 المفاخر الوفیره المسمی ببحر العلوم الراقی من الفقه الی اعلی المراقی محمد محمد  
 ابن ابی ذر الراقی از اکابر علماء قمنا بود پیش علامه زمان ملا اسمیل الخاجوی تا مدت سال  
 تحصیل علوم و فنون اشتغال داشت و نزد بسیاری از علماء ماهرین تردد میفرمود و حاوی <sup>علوم</sup> بسیار  
 سیاه در فنون ریاضی از هندسه و حساب هیئت و علوم ادبیه از معانی و بیان و غیر آن گردید و در علم  
 تفسیر مهارت داشت و در مکه با پیر پیدان نمود و با بطله جناب موصوف در فقه و حدیث از ملا ذوقا باقر بهیبا  
 طاب ثراه میباشند که ایظ هر من مرآت الاحوال از تصانیف او است کتاب معتد الشیعه و کتاب  
 مناسک کبیره در احکام حج و کتاب مشکلات العلوم که کتابی است عمیق و تلخیص فواید بسیار و کتاب  
 محرق القلوب در مصائب امام حسین علیه السلام و کتاب لوا مع الاحکام در رساله در فقه فارسی  
 و مثنوی طائر قدسی السید علی بن السید محمد بن السید نور الدین بن السید  
 نعمه الله البحر اترمی در تحفة العالم مسطور است السید الولی السید علی بن السید محمد بکارم  
 اخلاق ظاهری و باطنی محلی و از صفات فیضیه بر او در مجلس آرائی در نگین صحیحی کل همیشه بار و عالم  
 از تکلیف خلق او گلزار بود و با کتاب کمالات صوری و مثنوی و خصائل ستوده و نفسانی ممتاز و در پی  
 اعیان و اعظم چون مردم دیده با غراز و در فهمیدن شعر فارسی در رسیدن به نیک و بدان فی انباز  
 و شعری عصر و سخن سخن او در اهتزاز بود و ند اگر چه خوشی گفت اما شعر درست و سخن را در مذاق عجب تاثیر  
 بود هر روز و هنگام عصر شعر میخواند مولانا فاضل مولی محمد جوادی بن ملا مومن شمس متولی مسجد جامع که او نیز  
 شیرین زبان و در فن تاریخ زبده امثال و اقرا ن بود سایر شعر او در منزل او منقذ می شد  
 و هر کس آنچه تازه خیال کرده بود و بختش می نمود و بگی رد و قبول او را مسلم می داشتند و در نجوم  
 و استخراج تقاویم کواکب و دقیقه یاب و در هیئت و ریاضی ثانی بطلبوس و جابا رسب و در آینه

جنی و احکام نجومی مهر جهانتاب و تا بود مدار استخراج در ان نواح بان و الاجناب بود معرفت  
 التقویم و رساله در اصطلاح و رساله در ہیئت نجومی او خوانده ام چند سال قبل ازین  
 بلا اعلی انتقال نمود السید طبیب بن السید محمد برادر سید علی سابق الذکر است حساب  
 تحفة العالم آورده که سید موصوف عالمی عالیقدر و در اکثری از علوم خاصه در نحو و منطق  
 و بیع فضاکی کثیر بود کسب فضائل از سید زین الدین علیه الرحمه نمود و در عراق فارس و گیلان  
 که همیشه مشغول بدانشندان و اعلام اند بقیض صحبت بسیاری از آنها رسیده بنیابت هموار  
 از مجاور و زکار بود و در حاج حسین در حین مجاورت بهشت جاودان انتقال نمود اللهم حشره  
 مع الشهداء اولاد و اولاد او سید جعفر سید مهدی سید محمد سید اسد الله مولانا آقا  
 محمد بیدآبادی بیدآباد از اعظم محلات دار السلطنه اصفهان که بنیابت مهمو و بطافت  
 آب و هوای مشهور و مولد آن برگزیده رب غفور است که مراتب فضیلتش کالشرف وسط النہا  
 آفاق را نورانی دارد بی نیاز از اوصاف و بیان است کذا فی تحفة العالم از ملاذ آقای  
 موصوف سید اسمعیل بن سید مرتضی بن نور الدین بن سید نعمت الله جزائری است  
 که ذکرش خواهد آمد انشاء الله مولانا العلامة المیرزا محمد مهدی بن ابی القاسم  
 الموسوی الشہرستانی اکنازی اصل و وطن آنجناب شهرستان است نفع شنبین  
 و سکون با و فتح راه مصل و سکون سین مصل و تالی دو نقطه بالا قبل از الف و نون در آخر که  
 از بلاد مشهوره خراسان و عجم است بعد از ان مجاورت کر بلائی مصل اختیار فرموده و درهما  
 جای اقدس مدفن یافت نسبش پیش سبخت امام موسی کاظم علیه السلام میرسد از جمله علما  
 کرام و فضیلتی عالی مقام بود و علوم نجومی شنبین یوسف بحرینی و دیگر فقها نموده و از ایشان اجازه  
 روایت داشت در تحفة العالم مسطور است که میرزا موصوف از اعظم افاضل نامدار و علامه  
 جلیل المقدر است در تہذیب اخلاق و تکمیل نفس ناقص آنقدر کوشیده است که مزیدی بر آن  
 تصور نیست شهرستان خلق عظیمش سواد اعظم عالم ملکوت و بحر بیکران دست دریا نوازش



جریه بخش سکان دیرنا سوت معروف عموم اهالی روم و هند و ایران و بجا جت روانی مردم  
 یکانه دوران است با آنکه مراد از بقا و تجا و بنموده و عشرت نامن بود آثار شگسته و هر م از  
 کلال و ملال و ضعف قوای نفسانی و عنصری اصلا با و راه نیافته بود در دایت حال نشان  
 افتاده از تمیه ضلال و زشتی اوضاع و احوال ایندیار اطلاعی کمال و ارواحی کافی و تفسیر  
 صافی را جمعی در خدش تمذمی نمودن هم از مستغیبه ان ان محفل ارم مانند بودم استغی  
 از جمله اولاد اجماع و میرزا موصوف میرزا محمد حسین معروف به آقا بزرگ بود که بعد وفات آنجناب  
 وارد هند و سنان شده و بعد آباد کن بمسجد و فاش در سنه شصت و شصت و شصت و شصت  
 الالف اتفاق افتاد و بعضی شعرا تاریخ وفات را درین مصراع یافته اند از غیاث الدین  
 آقا احمد بیبانی در کتاب مرآة الاحوال بقرب ذکر علمای کربلای معلی و ذکر سونخ سال  
 یلهار و دو صد و پانزده آورده که در ان اوان عالی جناب مقدس القاب فضائل آب  
 سلاله الاطیاب عمدة المتقین و زبدة المتقین ملاذ ذمه الیها ضعفه و جرم و عینه میرزا محمد  
 شهرستانی موسوی طالب ثراه در ان ارض اقدس برت ایزدی بیوست و خاتم صیدتین برلما  
 عالمیان نشست جنازه او را با ناله آه و رایوان پیش روی شهدای سعد او روان شریف  
 مدفون کردند بقعه المدیقرانه مولانا المیرزا محمد فصیح بن محمد شیع مستوفی الممالک  
 صاحب تحفة العالم آورده که میرزا موصوف از افاضل اعلام و اکابر عالم بود و در فنون  
 علمی مخصوص در مقولات دستگامی عالی داشت و در خد اشناسی و در و شی با اینک در  
 دنیا صاحب جاه و خیر بود و نظیر داشت در خفا نوشتن سموح شد و نیز از کتاب مزبور  
 مستفاد میشود که وطن میرزا موصوف بلدة آذربایجان است مولانا السید عبد الکریم  
 بن السید جواد بن السید عبد الدین بن السید نور الدین بن السید نعمت الدین بن السید  
 صاحب تحفة العالم آورده السید العظیم و الفضل العظیم السید عبد الکریم فاضل نخری و عالمی  
 بنی نظیر و سرآمد پارسایان و عباد و سخیل اصحاب کرامت و سدا و در اکثری از علوم